پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

داریوش بزرگ

منش داریوش بزرگ در تسخیر کارتاژ، منع کردن قربانی‌کردن انسان و خوردن گوشت سگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ · ۵ دقیقه مطالعه

چکیدهٔ مقاله

کارتاژ، شهری با خاستگاه فینیقی در ساحل تونس امروزی، از مراکز مهم تمدنی و بازرگانی جهان باستان بود. این شهر از سدهٔ ششم پیش از میلاد به قدرتی بزرگ در مدیترانه تبدیل شد و شبکهٔ گسترده‌ای از مناسبات اقتصادی و دریایی پدید آورد. ازاین‌رو، هنگام بررسی ارتباط احتمالی آن با هخامنشیان، باید کارتاژ را یک قدرت سیاسی و دریایی دانست، نه صرفاً شهری دورافتاده که در برابر سپاهی مهاجم تسلیم شده بود.

پارسیان دژ / داریوش بزرگ

مقدمه

بازپرداخت روایی و اخلاقیِ حکایت ارائه‌شده، منسوب به کتاب «تاریخ ده‌هزارسالهٔ ایران» نوشتهٔ عبدالعظیم رضایی

بزرگی یک فرمانروا را تنها با گستردگی قلمرو، شمار سپاهیان یا پیروزی‌های نظامی او نمی‌توان سنجید. چگونگی رفتار او در هنگام برخورداری از قدرت نیز معیاری مهم برای شناخت منش اوست. پیروزی، همان‌قدر که فرصتی برای نمایش اقتدار فراهم می‌آورد، می‌تواند آزمونی برای خویشتن‌داری، دادگری و پرهیز از انتقام باشد.

حکایت داریوش بزرگ و کارتاژ، در روایت مبنای این نوشته، بر همین آزمون اخلاقی تکیه دارد: فرمانروایی که در جایگاه پیروز قرار گرفته است، به‌جای آنکه تنها به ثروت و فرمان‌برداری مردم بیندیشد، خواستار برچیدن رسومی می‌شود که با نگاه او به زندگی و آیین درست زیستن سازگار نیست. کانون این حکایت، نه نمایش شکوه جنگ، بلکه تأمل در مسئولیتی است که همراه قدرت پدید می‌آید.

پیروزی؛ فرصتی برای دادگری، نه انتقام

در حکایت نقل‌شده، کارتاژیان مغلوب شده و آمادهٔ پذیرش شرایط داریوش بودند. در چنین موقعیتی، انتظار می‌رفت خواسته‌های فرمانروای پیروز دربارهٔ باج، غنیمت یا تحمیل مجازات باشد؛ اما داریوش، چنان‌که در این روایت آمده است، به‌جای تاراج شهر، دو خواسته را پیش می‌کشد: نخست، خوردن گوشت سگ متوقف شود و دوم، مردم از قربانی‌کردن نوزادان برای معبود خود دست بردارند.

آنچه به این داستان معنایی فراتر از یک حکایت نظامی می‌بخشد، جابه‌جایی معیار پیروزی است. در تصویر ترسیم‌شده از داریوش، ارزش اقتدار تنها در توانایی شکست‌دادن حریف خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در چگونگی بهره‌بردن از این توانایی جلوه می‌کند. قدرتی که می‌تواند برای ویران‌کردن به کار رود، در اینجا وسیله‌ای برای جلوگیری از آسیب معرفی می‌شود.

دربارهٔ خودِ این دو فرمان، گزارشی در اثر یوستینوس، مشهور به ژوستن، نیز وجود دارد. او در خلاصهٔ تاریخ فیلیپیِ پومپیوس تروگوس می‌نویسد که فرستادگان داریوش فرمانی به کارتاژ بردند که از جمله، قربانی‌کردن انسان و خوردن گوشت سگ را منع می‌کرد. این گزارش، مأخذ باستانیِ مرتبط با مضمون فرمان‌های یادشده است. (Attalus)

پاسداشت جان کودکان؛ برجسته‌ترین پیام حکایت

از میان دو خواسته‌ای که در متن اولیه آمده است، منع قربانی‌کردن کودکان مهم‌ترین بار انسانی و اخلاقی را دارد. کودک نه در شکل‌گیری دشمنی‌های سیاسی نقشی دارد و نه توان دفاع از خود در برابر تصمیم بزرگسالان را. ازاین‌رو، حمایت از جان او را می‌توان روشن‌ترین آزمون مسئولیت‌پذیری صاحبان قدرت دانست.

در گزارشی مستقل دربارهٔ آیین‌های کارتاژ، دیودور سیسیلی از قربانی‌کردن کودکان و تندیسی مفرغی سخن می‌گوید که دستانش به جلو کشیده شده بود و قربانیان از روی آن به درون آتش می‌افتادند. این توصیف، متعلق به روایت دیودور است و زمینه‌ای برای فهم تصویری فراهم می‌کند که در حکایت فارسی از قربانی‌کردن کودکان بازتاب یافته است. (Penelope)

در خوانش اخلاقی حکایت داریوش، جلوگیری از چنین عملی به معنای ترجیح زندگی بر رسمی آسیب‌زاست. پیام آن را می‌توان چنین بیان کرد: هیچ سنتی، تنها به دلیل قدمت یا برخورداری از جایگاه آیینی، نباید از پرسش دربارهٔ رنجی که بر بی‌دفاع‌ترین انسان‌ها تحمیل می‌کند مصون بماند.

از این منظر، داریوشِ این روایت تنها با مردمی که در برابر قدرت او قرار گرفته‌اند روبه‌رو نیست؛ او با سرنوشت کودکانی نیز روبه‌روست که شایستهٔ زندگی‌اند. توجه به آنان، به حکایت وجهی انسانی می‌بخشد و موضوع را از مناسبات میان پادشاه و شهر، به مسئولیت توانمندان در برابر بی‌پناهان گسترش می‌دهد.

اصلاح رفتار به‌جای تحقیر مردم

دستور مربوط به منع خوردن گوشت سگ نیز در کنار فرمان منع قربانی انسان آمده است. یوستینوس می‌افزاید که کارتاژیان فرمان مربوط به رسوم خود را پذیرفتند، هرچند درخواست هم‌زمان داریوش برای کمک نظامی علیه یونانیان را به‌سبب درگیری‌هایشان با همسایگان نپذیرفتند. (Attalus)

در برداشت اخلاقی از حکایت اولیه، نکتهٔ مهم آن است که موضوعِ اعتراض، رفتارهایی مشخص است، نه ارزش و شأن همهٔ مردم یک شهر. میان مخالفت با یک رسم و تحقیر صاحبان آن تفاوت وجود دارد. فرمانروایی که اصلاح رفتاری آسیب‌زا را هدف قرار می‌دهد، می‌تواند راهی متفاوت از انتقام‌گیری و مجازات همگانی برگزیند.

بر همین اساس، بزرگ‌منشیِ تصویرشده در داستان را باید در مهار میل به انتقام جست‌وجو کرد. پیروز، برای اثبات قدرت خود، ناگزیر نیست بر رنج شکست‌خوردگان بیفزاید. او می‌تواند اقتدارش را با تصمیمی نشان دهد که امکان ادامهٔ زندگی و تغییر رفتار را فراهم می‌آورد.

دادگری و خویشتن‌داری در تصویر داریوش از پادشاهی

برای گسترش بحث دربارهٔ منش داریوش، می‌توان به سخنانی نیز توجه کرد که در کتیبهٔ آرامگاه او در نقش‌رستم، مشهور به **DNb**، ثبت شده است. داریوش در این کتیبه خود را دوستدار راستی معرفی می‌کند و می‌گوید خواهان آن نیست که ناتوان از توانمند آسیب ببیند یا توانمند از ناتوان. در این بیان، دادگری با جلوگیری از ستم پیوند می‌خورد، نه با جانبداری بی‌قیدوشرط از یک گروه. (Livius)

او همچنین بر مهار خشم و تسلط بر خواسته‌های خویش تأکید می‌کند و از نپذیرفتن اتهام یک فرد علیه دیگری، پیش از شنیدن سخن هر دو طرف، سخن می‌گوید. این عبارات، تصویری از فرمانروایی مطلوب ارائه می‌کنند که در آن، قدرت باید با سنجیدگی و خویشتن‌داری همراه باشد. (Livius)

حکایت کارتاژ را، در سطح مضمون اخلاقی، می‌توان در کنار این آرمان‌ها خواند: توانایی فرمان‌دادن هنگامی ارزشمندتر می‌شود که فرمانروا بر خشم و آزمندی خود نیز فرمان براند. در چنین برداشتی، دادگری تنها مجازات‌کردن نیست؛ جلوگیری از آسیب و حمایت از کسانی که صدایی برای دفاع از خود ندارند نیز بخشی از آن است.

نتیجه‌گیری

حکایت منش داریوش بزرگ در تسخیر کارتاژ، در صورت روایِ ارائه‌شده، ستایشِ قدرتی است که خود را در تاراج و تحقیر خلاصه نمی‌کند. برجسته‌ترین پیام آن، توجه به جان کودکان و مسئولیت فرمانروایی است که می‌تواند از موقعیت برتر خود برای جلوگیری از رنج بهره ببرد.

ارزش تأمل در این داستان، تنها در بزرگداشت نام یک پادشاه نیست؛ در یادآوری معیاری برای داوری دربارهٔ قدرت نیز هست. فرمانروایی شایستهٔ ستایش است که توانایی غلبه بر دیگران را با توانایی مهار خویش همراه کند و پیروزی را مجوز بی‌رحمی نداند.

در خوانش اخلاقی این حکایت، شکوه داریوش بیش از آنکه در شکست‌دادن حریف جلوه کند، در ترجیح پاسداشت زندگی بر انتقام نمایان می‌شود؛ زیرا بزرگ‌منشی، نه صرفاً داشتن قدرت، بلکه درست به‌کاربردن آن است.

سرچشمه‌های پژوهش

1. منابع و مآخذ

2. ۱. رضایی، عبدالعظیم. تاریخ ده‌هزارسالهٔ ایران. مبنای بخش روایی این بازنویسی، نقل ارائه‌شده از سوی شما و منسوب به این کتاب است؛ مشخصات چاپ و شمارهٔ صفحه در متن ارسالی ذکر نشده و عبارت با نسخهٔ کتاب تطبیق داده نشده است.

3. ۲. یوستینوس «ژوستن». خلاصهٔ تاریخ فیلیپیِ پومپیوس تروگوس، کتاب نوزدهم، فصل نخست، بندهای ۱۰ تا

۱۳؛ ترجمهٔ انگلیسی جی. اس. واتسون، در پایگاه Attalus. منبع گزارش فرستادگان داریوش و فرمان‌های مربوط به رسوم کارتاژیان. این مأخذ دربارهٔ مراوده و فرمان است، نه شرح فتح نظامی کارتاژ. (Attalus)

4. ۳. دیودور سیسیلی. کتابخانهٔ تاریخی، کتاب بیستم، فصل چهاردهم، به‌ویژه بندهای ۴ تا ۷؛ متن در مجموعهٔ LacusCurtius، دانشگاه شیکاگو. منبع توصیف آیین قربانی کودکان و تندیس مفرغی در کارتاژ، در گزارشی مستقل از حکایت داریوش. (Penelope)

5. ۴. داریوش یکم. کتیبهٔ نقش‌رستم، DNb، به‌ویژه سطرهای ۵ تا ۲۴؛ متن و ترجمه در پایگاه Livius. منبع سخنان داریوش دربارهٔ راستی، جلوگیری از ستم، مهار خشم و شنیدن سخن دو سوی اختلاف. (Livius)

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «منش داریوش بزرگ در تسخیر کارتاژ، منع کردن قربانی‌کردن انسان و خوردن گوشت سگ»، پارسیان دژ، ۱۴۰۵.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1437/pdf/منش-داریوش-بزرگ-در-تسخیر-کارتاژ.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵